

شماره کارت: $\frac{۸}{۵۷}$

ترجمه و برداشتی

از

قرآن مجید

جزوه سی و نهم

ترجمه و برداشت از: استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آیات ۲۳- ۲۷ از سوره کهف

وَلَا تَقُولَنَّ لِسَيِّئَةٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا (۲۳) إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ

رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۴)

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (۲۵) قُلِ اللَّهُ

أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرُ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ

مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (۲۶) وَأَتْلُ مَا أُوْحِيَ

إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لِأُمْبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۷)

ترجمه آیات ۲۳- ۲۷

و هرگز چیزی را نگو که قطعاً من فردا کننده آن خواهم بود. (۲۳) مگر آنکه خواست خدا باشد و وقتی پروردگارت را فراموش کردی، به یاد بیاور و بگو: امید است اینکه هدایت کند پروردگار مرا به چیزی که از این، رشدش نزدیکتر باشد. (۲۴)

و آنها در پناهگاه و غارشان سیصد سال خوابیدند و جمعی نه سال بر آن افزودند. (۲۵) بگو: خدا داناتر است به مدتی که آنها خوابیده‌اند. برای او پنهانی آسمانها و زمین است. چقدر بینا و شنوا است. برای آنها غیر از خدا سرپرستی نیست و او احدی را در دستور کار خود شریک نمی‌کند. (۲۶) و بخوان آنچه را به تو از کتاب پروردگارت وحی شده. هیچ تبدیل‌کننده‌ای برای کلمات او نخواهد بود و هرگز جز او (برای خود) پناهگاهی نخواهی یافت. (۲۷)

برداشت از آیات ۲۳- ۲۷ (بداء)

سالک الی الله باید خود را معتقد به بداء که علمش منحصرأ در اختیار خدا است، قرار دهد. زیرا خدای تعالی به پیامبر اکرم ﷺ که دانا به آنچه بوده و هست و خواهد بود، فرموده: هرگز نگویی که من

فردا فلان کار را می‌کنم، مگر آنکه بگویی اگر خدا بخواهد، یعنی اگر خدا نخواست، من هم نمی‌توانم کاری بکنم و نباید هیچ‌گاه خدا را فراموش کند و همیشه به امید هدایت پروردگارش باشد و در خصوص اصحاب کهف که سیصد سال در آن پناهگاه ماندند، تنها با اراده پروردگار این کار انجام شد و خدا می‌داند که چند سال آنها بیشتر در آن غار مانده و یا تعدادشان چند نفر بوده است و نباید هیچ‌گاه فکر کند که قوانین دیگری در مقابل قوانین الهی می‌تواند وجود داشته باشد.

آیات ۲۸ - ۲۹ از سوره کهف

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ

وَجَهَّهُ وَلَا تَعُدُّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ

مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوِيَهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (۲۸)

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا

أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهَا مِنْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا

بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (۲۹)

ترجمه آیات ۲۸ - ۲۹

و خود را با کسانی که پروردگارش را صبح و شام می‌خوانند و رضای پروردگارش را می‌طلبند، با صبر و استقامت نگهدار و از آنها به خاطر اینکه زینت زندگی دنیا را بخواهی، چشم‌پوشی نکن و از کسی که قلب او را ما از یاد خود غافل کرده‌ایم و پیرو خواسته خود شده است و کارهایش افراطی است، اطاعت نکن. (۲۸)

و بگو: آنچه حق است از طرف پروردگار شما است. پس کسی که می‌خواهد ایمان بیاورد و کسی که می‌خواهد کافر شود. قطعاً ما برای ستمگران آتشی را که پرده شعله‌هایش آنها را از هر طرف احاطه کرده، آماده کرده‌ایم و اگر آنها تقاضای آب کنند، به آنها آبی داده می‌شود که مانند مس گداخته صورتها را بریان می‌کند. نوشیدنی بد و چه بد منزلی است. (۲۹)

برداشت از آیات ۲۸ - ۲۹ (با دعا گویان باشید)

سالک الی الله باید خود را با کسانی که برای خدا صبح و شام دعا می کنند، قرار دهد و اطاعت کسانی که از یاد خدا غفلند و پیروی از هوای نفس می کنند، نکند و حق را بگوید. هر کس می خواهد اعتقاد به آن داشته باشد و هر کس می خواهد اعتقاد نداشته باشد ولی خدای تعالی آنها را به عذاب سختی مبتلا می کند.

آیات ۳۲ - ۴۴ از سوره کهف

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَ حَفَفْنَاهُمَا

بِنَخْلِ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا (۳۲) كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكْلَهَا وَ لَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَ

فَجَرْنَا خِلَافَهُمَا نَهْرًا (۳۳) وَ كَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ

مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا (۳۴) وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ

تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (۳۵) وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَنْ رُدُّدْتُ إِلَى رَبِّي لِأَجِدَنَّ

خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا (۳۶) قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ

مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّيَكَ رَجُلًا (۳۷) لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ

بِرَبِّي أَحَدًا (۳۸) وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وُلَدًا (۳۹) فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا

مِنْ جَنَّتِكَ وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا (۴۰) أَوْ

يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا (۴۱) وَأَحِيطَ بِشَمْرِهِ فَاصْبِحَ

يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرْوِشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي

لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (۴۲) وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا

كَانَ مُتَنَصِّرًا (۴۳) هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (۴۴)

ترجمه آیات ۳۲-۴۴

و برای آنها مثل دو مردی را بزن که ما برای یکی از آنها دو باغ از درختان انگور قرار داده بودیم که پوشانده بودیم آن دو باغ را از درخت خرما و بین این دو باغ را زراعتی قرار داده بودیم. (۳۲)
هر دو باغ میوه‌های خوردنی آورده بودند و چیزی از آن کسر نگذاشته بودند و در بین این باغها نه‌ری جاری کرده بودیم. (۳۳)

و برای صاحب باغ درآمد خوبی بود پس به رفیقش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، گنت: من از تو بیشتر مال دارم و از نظر افراد از تو قدرتمندترم. (۳۴)

و وارد باغش شد در حالی که او به خودش ستمکار بود، گنت: من گمان نمی‌کنم این باغ و نعمت هرگز نابود شود. (۳۵)

و من گمان نمی‌کنم که قیامت برپا شود و اگر من به سوی پروردگارم برگردانده شوم، حتماً جایگاهی بهتر از این را خواهم داشت. (۳۶)

رفیقش در حالی که با او گفتگو می‌کرد به او گفت: آیا به کسی که تو را از خاک سپس از نطفه خلق کرده ، سپس تو را به صورت مردی کامل درآورده، کافر شدی؟ (۳۷)

اما (من معتقدم که) خدا پروردگار من است و احدی را با پروردگارم شریک قرار نمی‌دهم. (۳۸)
و چطور شد وقتی داخل باغ شدی، نگفتی: ماشاءالله، لاقوة الا بالله، اگر می‌بینی که من کمتر از تو مال و فرزند دارم. (۳۹) پس امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد و بر باغ تو از آسمان صاعقه‌ای بفرستد، پس تو صبح کنی در حالی که باغت جز زمین صاف و لغزنده‌ای نباشد. (۴۰) یا اینکه صبح که بر می‌خیزی، آب باغت فرو رفته باشد و هرگز نتوانی آن آب را دوباره بدست آوری. (۴۱)
و تمام میوه‌های باغ نابود شده باشد. پس صبح کرد در حالی که به خاطر مخارجی که در آن باغ کرده بود،

دو دستش را بالا و پائین می‌کرد و به هم می‌مالید و آن باغ تمام داربستهایش فرو ریخته بود و با خود می‌گفت: ای کاش من احدی را با پروردگارم شریک قرار نمی‌دادم. (۴۲)

و برایش جمعیتی غیر از خدا نبودند که او را یاری کنند و یا او از کسی یاری بطلبد. (۴۳)

اینجا است که ولایت، مال خدایی است که حق می‌باشد. او بهترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای مؤمنین) دارد. (۴۴)

برداشت از آیات ۳۲ - ۴۴ (یکی مؤمن و دیگری کافر)

سالک الی الله باید از جریان دو مردی که یکی مؤمن و دیگری کفران‌کننده نعمت پروردگار بودند عبرت بگیرد. کفران‌کننده وقتی چشمش به باغها و ثروتش افتاد، از خدا غافل شد و منکر قیامت گردید و خدا را فراموش کرد و هر چه آن مرد مؤمن خواست او را متذکر پروردگار کند، از خواب غفلتش بیدار نشد تا آنکه وقتی تمام ثروتش از بین رفت، گفت: ای کاش من از پروردگارم غافل نمی‌شدم و اموالم را شریک خدایم قرار نمی‌دادم.